

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم‌سال دوم تحصیلی ۹۵-۹۴
پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	مست: ۹۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد آزمون:	۲۹۴۲/۲۷
تاریخ:	۱۳۹۵/۰۳/۱۶
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه «آقای ابروانی»
مجموعه:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روایت «الوقوف عند الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکة» چیست؟ ص ۲۳۴

۰/۵

- الف. شبهات در علم اجمالی
- ب. دعوت‌های شبیه حق
- ج. تکلیف مشکوک
- د. متشابهات قرآن

۲- در هنگامی که می‌دانم «در بین گوشت‌های موجود در فروشگاه بسیار بزرگ، یکی ذبح شرعی نشده است» کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲۴۷

۰/۵

- الف. رکن اول
- ب. رکن دوم
- ج. رکن سوم
- د. رکن چهارم

۳- بنابر نظر آیه الله خویی (ره) اگر استصحاب، اماره باشد، چگونه تعریف می‌شود؟ ص ۲۵۲

۰/۵

- الف. مرجعیه الحالة السابقة
- ب. الحکم ببقاء ما کان
- ج. الیقین بالحدوث
- د. الشک فی البقاء

۴- لازمه بیان رکن چهارم استصحاب به صیغه «ان شرط جریان الاستصحاب ان یکون المستصحب حکماً شرعياً او موضوعاً لحکم شرعی» چیست؟ ص ۲۶۳

۰/۵

- الف. عدم جریان استصحاب عدم تکلیف
- ب. عدم جریان استصحاب حکم شرعی
- ج. عدم جریان استصحاب تکلیف
- د. جریان استصحاب عدم تکلیف

۵- نام حالتی که شخص می‌داند وضوء گرفته است ولی نمی‌داند صبح وضوء گرفته یا ظهر، چیست؟ ص ۲۷۱

۰/۵

- الف. الشک فی التقدم و التأخر
- ب. تعارض الاستصحابین
- ج. مجهولی التاریخ
- د. توارد الحالتین

۶- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانیم و شارع نیز اماره را به «منزله علم» قرار داده باشد، وجه تقدم اماره بر اصل چیست؟ ص ۲۸۸

۰/۵

- الف. ورود
- ب. تقیید
- ج. حکومت
- د. تخصیص

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۲۲۶ - ۲ نمره

۲

جواب: استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] ایمنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک. (۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

۸- بر فرض قبول معارضه ادله احتیاط با ادله برائت در شبهات بدوی، دو دلیل برای ترجیح ادله برائت بنویسید. ص ۲۳۶ - ۱/۵ نمره

جواب:

۱/۵

۱. دلیل برائت، قرآنی است و چون قطعی است مقدم می‌شود. ۲. دلیل برائت مختص به شبهات بدوی است [نه شبهات مقرون به علم اجمالی] در نتیجه اخص است و به دلیل اخصیت مقدم می‌شود. (ترجیح سوم در کتاب)

۹- با توجه به عبارت «ان الترخیص فی جمیع الاطراف ینافی الوجود الواقعی المعلوم بالاجمال، لما تقدّم من تضاد الاحکام التکلیفیة» چرا

مشهور قائل به استحاله جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی شده‌اند؟ نظر شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۲۴۳ - ۲ نمره

جواب: دلیل مشهور بر استحاله: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولی چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم الزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحاله دارد، نظر شهید صدر (ره): این سخن در صورتی وجیه است که ترخیص واقعی باشد [یعنی در موضوعش شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علم اجمالی، حکم ظاهری است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد.

۱۰- حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبیین نمائید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: مانند شک در جزئیت، حکم برائت است زیرا مرجع شرط شرعی برمی‌گردد به تخصیص واجب به حصه‌ای خاص یعنی تعلق می‌گیرد امر به فعل و تقید و این معنایش این است که شک در شرطیت برمی‌گردد به علم به ذات فعل و شک در تقید که برائت جاری می‌شود. [مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه متباینین]

۱۱- عبارت «کیف اعتبر البناء علی الشک نقضاً للیقین و الحال ان الیقین السابق بالطهارة لا یزول بالشک فی الحدیث بقاء فان ذاک متعلق بالحدوث و هذا بالبقاء، فکیف اسند نقض الیقین الی الشک» را درباره «روایت استصحاب» توضیح داده، جوابی برای آن بنویسید. ص ۲۵۶

۲ - نمره

جواب: اشکال شده است که چطور در روایت، شک را ناقض یقین قلمداد کرده در صورتی که یقین سابق به طهارت با شک به حدیث بقاء زائل نمی‌شود زیرا یقین به حدوث تعلق گرفته و شک به بقاء، پس چطور در روایت «لا تنقض الیقین بالشک» نقض یقین را به شک اسناد داده است، جواب: اگر چه در استصحاب، شک ناقض تکوینی یقین نیست زیرا متعلق یقین و شک متفاوت است اما با عنایت عرفی اسناد مذکور تصحیح می‌شود زیرا عرف زمان را الغاء نموده و دو متعلق را از حیث ذات یکی می‌داند، در نتیجه اسناد تصحیح می‌شود.

۱۲- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱ - ۲ نمره

جواب: گاهی اوقات شک فعلی است یعنی شخص بالفعل شک دارد ولی گاهی اوقات شک تقدیری است یعنی اگر شخص التفات داشته باشد، شک می‌کند، مثلاً اگر مکلف یقین به حدیث داشته و سپس در بقاء حدیث شک کند و با همین شک نماز بخواند، نمازش باطل است زیرا شک او فعلی است و استصحاب جاری می‌شود اما اگر مکلف یقین به حدیث داشته باشد و غفلت کند و نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که آیا حین نماز حدیث باقی بود یا نه در این حالت شک تقدیری است یعنی اگر ملتفت بود شک در بقاء حدیث داشت، در این صورت استصحاب جاری نمی‌شود.

۱۳- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی‌شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدویش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۱۴- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزامم» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ - ۱/۵ نمره

جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهایشان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمره) با توجه به تعریف تعارض، تنافی بین دو جعل است ولی التزام تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۰/۵ نمره)

۱۵- پنج احتمال در «قاعده اولیه تعارض مستقر» را نوشته، یک احتمال را با دلیل رد کنید. ص ۲۸۳ و ۲۸۴ - ۲ نمره

جواب: احتمال اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می‌کند، احتمال دوم: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این احتمال نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور سابق پیش می‌آید. احتمال سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. احتمال چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی‌کند. در نتیجه فقط تساقط که احتمال پنجم است باقی می‌ماند. (پنج احتمال ۱/۲۵ نمره و یک دلیل رد ۰/۷۵ نمره)